

بررسی ساختار اقتصادی استان خوزستان با تأکید بر نقش درآمدهای نفتی
عزیز حیدری کیا^۱ - فریدون اکبرزاده^{۲*} - حسین کریمی فرد^۳ - لانا عبدالحانی^۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده:

نوشتار حاضر با هدف بررسی نقش نفت در ساختار اقتصادی استان خوزستان آماده شده است. پرسش اصلی این است که آیا نفت در ساختار اقتصادی استان خوزستان نقش دارد؟ منابع طبیعی در اصل نعمت محسوب می‌شوند و می‌توانند به عنوان محرک اولیه چرخه تولید ثروت را به حرکت درآورند و نفت به عنوان یکی از این محرک‌ها در ساختار اقتصادی کشورها نقش اساسی دارد. روش به کار گرفته شده توصیفی از نوع کمی - کیفی می‌باشد، برخی داده‌ها از مراجعه به کتب و آثار دیگر محققان به دست آمده است و برخی از تحلیل کمی برخاسته از داده‌های کیفی است؛ برخی از داده‌ها نیز از مصاحبه با ۱۸ نفر از کارشناسان و مسئولین در ارتباط با چگونگی استفاده از نقش نفت بر ساختار اقتصادی گرفته شده و با انتخاب کدهای مصاحبه به تحلیل مصاحبه‌ها پرداخته می‌شود، همچنین در ادامه تحقیق از تکنیک SWOT جهت شناسایی نقاط قوت، ضعف، توانمندی‌ها و تهدیدهای استان بهره گرفته شده است، ماحصل یافته‌ها نشان داد که نفت می‌تواند نقش بالفعل و بالقوه‌ای بر ساختار اقتصادی استان خوزستان داشته باشد.

واژگان کلیدی: نقش، نفت، ساختار اقتصادی، استان خوزستان

JPIR-2012-1700

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد بین‌المللی خرمشهر - خلیج فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران: نویسنده مسئول

fakbarzadeh@iauhvaz.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۴- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

مقدمه

نقش‌آفرینی نفت در ایران، از زاویه اقتصاد سیاسی و اجتماعی قابل تحلیل است. طی ۵۰ سال گذشته به‌طور میانگین ۲۸ درصد از مخارج دولت از محل مالیات‌ها تأمین شده است. مابقی مخارج دولت از محل درآمدهای نفتی، واگذاری دارایی، درآمد حاصل از مالکیت، فروش کالا و خدمت و ایجاد بدهی تأمین شده است. اگرچه نسبت درآمدهای مالیاتی به مخارج دولت در بیست سال گذشته به ۳۴ درصد افزایش یافته است ولی کماکان درآمدهای مالیاتی سهم عمده‌ای در تأمین مخارج دولت ندارد. (خضری، ۱۳۸۱) البته باید در نظر گرفت که بخشی از همین درآمدهای مالیاتی نیز مستقیماً مربوط به عملکرد بخش نفت و فرآورده‌های نفتی است. لذا می‌توان گفت بخش عمده عواید و منابع مالی دولت‌ها، مستقل از درآمدهای مالیاتی است. عدم اتکای دولت‌ها به درآمدهای مالیاتی، انگیزه پاسخگویی دولت‌ها را نسبت به نحوه عملکرد کاهش داده است. دولت‌ها منابع مالی خود را مستقل از شهروندان کسب می‌کنند و لذا به همین میزان هم از پاسخگویی به شهروندان کاسته می‌شود. (صحفی، ۱۳۸۱)

از طرف دیگر، دولت‌ها سالانه منابع مالی عظیمی از محل عواید زیرزمینی به دست می‌آورند که نحوه هزینه کردن آن را در اختیار خود دارند. در واقع دولت‌ها متولی توزیع رانت حاصل از درآمدهای نفت در اقتصاد هستند. توزیع منابع عظیم حاصل از رانت منابع زیرزمینی و جریان مالی مستقل از کارکرد عادی اقتصاد، بر شکل‌گیری آرایش گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ذی‌نفع اثر می‌گذارد. بخش عمده‌ای از علل ناکارایی سیاست‌های حمایتی، ناکارایی توزیع اعتبارات عمرانی، ائتلاف منابع عمومی، انتصاب مدیران دولتی ناکارآمد، کیفیت پایین سیاستگذاری اقتصادی و نظایر آن، به نوعی محصول اتکای دولت‌ها به رانت منابع زیرزمینی و استقلال مالی و اجتماعی دولت از شهروندان است. (اشنایدر، ۱۳۹۳) با توجه به اینکه استان خوزستان جزو عمده‌ترین توزیع‌کننده منابع نفتی در کشور می‌باشد و همچنین می‌توان ذکر کرد که باتوجه به اینکه عظیم‌ترین چاه‌های نفتی در این استان قرار دارد، در این تحقیق سعی داریم که تأثیرات مثبت و منفی مسئله حاضر (نفت) را بر روی ساختار اقتصادی- اجتماعی جامعه مورد مطالعه قرار دهیم و همچنین با توجه به تهدیدها و تحریم‌های اخیر کشورهای خارجی علیه ایران، موضوع مورد نظر می‌تواند جزء موضوعات جذاب و ضروری تلقی شود.

منابع طبیعی در اصل نعمت محسوب می‌شوند و می‌توانند به عنوان محرک اولیه چرخه تولید ثروت را به حرکت درآورند. به عنوان مثال انقلاب صنعتی انگلستان به دلیل داشتن منابع عظیم ذغال سنگ صورت گرفت. (بلانکو و گریر، ۲۰۱۲) اما در کشورهای در حال توسعه که

سازوکارهای نهادی و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی هنوز تکامل نیافته‌اند منابع مذکور بیشتر ماهیت مصیبت پیدا کرده‌اند. توجه به آثار منفی بالقوه منابع طبیعی در میان اقتصاد-دانان توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شیوع پیدا کرد. ابتدا راثول پریش و هنس سینگر (پریش، ۱۹۵۰ و ۱۹۶۴، سینگر، ۱۹۵۰) به این موضوع پرداختند. آنها قائل بودند که صادر-کنندگان مواد اولیه به خاطر زیان رابطه مبادله در تجارت با کشورهای صنعتی زیان می‌بینند. دیگر اقتصاددانان (هیرسکمن، ۱۹۵۸؛ سیرز، ۱۹۶۴ و بالدوین، ۱۹۶۶) وجود این پیامد منفی را تقویت نمودند.

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ این قبیل مطالعات بر روی مواد اولیه و منبع طبیعی به صورت کلی معطوف بود. از دهه ۱۹۷۰ به دنبال اولین شوک نفتی، توجه اقتصاددانان به سمت تجربه کشورهای صادرکننده نفت خام متمرکز شد. از آن زمان به بعد این نظریه قوت پیدا کرد که درآمدهای عظیم نفتی از نقطه‌نظر توسعه اقتصادی باید خبر ناگواری برای صادرکنندگان نفت محسوب گردد. (نیری و ون وینبرگن، ۱۹۸۶؛ مابرو و مونرو، ۱۹۷۴ و مابرو، ۱۹۸۰)

تجربه کشور هلند در دهه ۱۹۷۰ بعد از اکتشاف میدان گازی گرونینگن توجهات را به سمت پدیده بیماری هلندی معطوف نمود. این پدیده مشخصاً تحت عنوان انقباض بخش غیر هیدرو-کربوری کشور به خاطر افزایش قدرت واقعی پول ملی تعریف می‌گردد. در هلند این به معنای کاهش تولیدات صنعتی و صنعتی‌زدایی است. در حالی که اقتصاددانان این پدیده را با کشاورزی زدایی در کشورهای در حال توسعه مرتبط می‌دانند. (استیونز، ۲۰۰۳: ۶ و استیجنز، ۲۰۰۳) در دهه ۱۹۹۰ این اثر درآمدهای نفتی بر رفتار دولت بود که توجه اقتصاددانان را به خود جلب نمود. درآمدهای عظیم و بادآورده حاصل از پروژه‌های نفتی، گازی و معدنی می‌تواند تا حدودی رفتار دولت‌ها را تغییر داده و به رشد و توسعه اقتصادی آسیب رساند. (گلب، ۱۹۸۶ و اوتی، ۱۹۹۰)

از سوی دیگر بررسی و مطالعه رابطه میان متغیرهای اقتصاد کلان و توزیع درآمد از مطالعه کوزنتس (۱۹۵۵) آغاز شد. مطالعات بعدی نظیر مطالعات آلوالیا (۱۹۷۶)، سائیت (۱۹۸۳)، پاپانک و کین (۱۹۸۶)، رام (۱۹۸۸)، کامپانو و سالواتوره (۱۹۸۸)، آناد و کانبور (۱۹۳۳) و دنینجر و اسکوآیر (۱۹۸۸) به پیروی از کوزنتس سعی در بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد نموده‌اند. حجم مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده فصل جدیدی از بررسی توزیع درآمد و ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی است. این در حالی است که برخی از مطالعات به روشی دیگر، یعنی نقش توزیع درآمد و بازخورد اجتماعی آن بر رشد اقتصادی

تأکید کرده‌اند. به عنوان نمونه، السینا و رودریک (۱۹۹۴) معتقدند که افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت، سبب می‌شود که نرخ مالیات بیشتر از نرخ بهینه‌اش تعیین گردد و این مسأله کاهش سرمایه‌گذاری و به دنبال آن، کاهش نرخ رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. در رابطه با بحث تأثیر نفت بر ساختار اجتماعی و اقتصادی به‌خصوص بعد از اولین شوک مهم نفتی در دهه ۷۰ میلادی پژوهش‌ها و مطالعات بسیار زیادی چه در داخل و چه در خارج ایران صورت پذیرفته است که بررسی تمام آنها از عهده این نوشتار خارج است. اما برای آشنایی با پیشینه تحقیق در رابطه با تأثیر نفت به معرفی برخی از آثار اقدام می‌نماییم. اصولاً اکثریت این تحقیقات اقدام به بررسی تأثیر نفت بر کلیت ساختار اجتماعی و اقتصادی ننموده بلکه این تأثیر را بر یکی از سه ساخت اجتماعی به‌خصوص ساخت سیاسی و اقتصادی و یا یکی از شاخص‌های مهم ساخت‌های اجتماعی در هر یک از حوزه سنجیده است.

بیان مسأله

مسأله نابرابری در بسیاری از کشورها چالش اساسی در مسیر توسعه می‌باشد، به‌ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید. (شانکارو شان، ۲۰۰۳) این نابرابری‌ها که به دلایل متعددی همچون دلایل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، دموگرافیکی و سیاسی ایجاد می‌شوند رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی و مناطق را به دنبال دارند. (منصوری ثالث، ۱۳۷۵) در واقع، تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی توسعه اقتصادی-اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. موضوعی که بازتاب آن را در چشم‌انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آنها نیز می‌توان یافت. (فرید، ۱۳۸۸) زمانی که پایین بودن درآمد با فقر درآمد ناشی از دسترسی کمتر به کالا و خدمات ارائه شده از سوی بخش دولتی ترکیب شود به عقب‌ماندگی نواحی می‌انجامد. دولتها و دستگاه‌های برنامه‌ریز وظیفه دشواری در خصوص ایجاد تعادل در توزیع خدمات و امکانات شهری بر عهده دارند (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰) در اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه وضعیت مناسب خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی و اجتماعی دارند و نقش عمده‌ای در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب نگه‌داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است، به‌گونه‌ای که گزارش توسعه انسانی (۲۰۰۳) در

ایران به تبیین این تفاوت‌ها پرداخته و یکی از مهمترین سیاست‌های توسعه انسانی در برنامه سوم توسعه را توجه به برنامه‌ریزی فضایی به‌عنوان یک برنامه بلندمدت برای تحقق عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای معرفی می‌کند. وجود چنین شرایطی موجب توجه گسترده به مبحث توسعه و نابرابری فضایی شده است. نابرابری فضایی را می‌توان توزیع نابرابر فرصت‌ها و موانع اجتماعی در فضا دانست. نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه‌ای است در هر جامعه‌ای می‌تواند جنبه‌های مختلف به خود گیرد. اشکال قابل رؤیت نابرابری فضایی در کشور-های در حال توسعه عبارتست از: نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی در شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و غیره... (دهقان، ۱۳۶۸) در نهایت می‌توان گفت توسعه متعادل و هماهنگ مناطق پیش‌نیاز بسیار مهمی برای حصول پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشور به‌شمار می‌رود. (ساویس، ۲۰۰۱) پس از پیدایش نفت در خوزستان در اوایل قرن بیستم، این منطقه را تحت تأثیر قرار داد و ارکان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دچار تغییر و تحولات شدیدی شد، با رونق گرفتن عملیات اکتشاف، استخراج و صدور و مصرف نفت در کشور، خوزستان به مهم‌ترین بخش سیاسی و اقتصادی کشور تبدیل شد و شهر اهواز از لحاظ سیاسی و اقتصادی و همچنین صنعتی و نظامی جایگاه مهمی به‌دست آورد. کشف نفت در سال ۱۲۸۷ شمسی را می‌توان نقطه عطفی در سپهر اجتماعی ایران دانست. تأثیراتی که نفت و گاز در بخش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای نفت‌خیز بر جای نهاده‌اند، علاوه بر ابعاد کلان بین‌المللی و ملی، سطوح خردتر جغرافیایی و جمعیتی را نیز در بر می‌گیرد. بررسی‌های صورت پذیرفته در حوزه-های مربوط به پیامدهای حضور نفت، بیشتر در سطوحی کلان، روندهای تاریخی مسائل سیاسی و حقوقی را مدنظر قرار داده‌اند و از پیامدهای این حضور بر زندگی ساکنان همجوار تأسیسات نفت و گاز، کمتر سخنی به میان آمده است. از آنجایی که طبق آمار اعلام شده از سوی مسئولین استان خوزستان حدود ۸۰ درصد درآمد ایران از خوزستان تأمین می‌شود و هرگونه اتفاق و رویداد ناگواری در استان خوزستان می‌تواند کل درآمدهای اقتصاد ایران را تحت الشعاع قرار دهد و از ۴۲۵ هزار میلیاردی که بودجه سالیانه و سنواتی سال ۹۷ ایران را تشکیل می‌دهد، نزدیک ۱۴۰ هزار میلیارد آن از نفت است، اگر این استان دچار تنش یا تشنجی شود طبیعتاً روی درآمد نیز اثر خود را می‌گذارد. بنابراین خوزستان برای دولت یک موقعیت خاص و استراتژیک است. خوزستان دارای ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی و نیروی انسانی تحصیل‌کرده در سطح ملی دارد، اما با این وجود نرخ بیکاری در این استان به ۱۴ درصد رسیده است. بر این

اساس، این نوشتار بر آن است که ساختار اقتصادی استان خوزستان را بررسی نماید و ببیند نقش نفت در این ساختار اقتصادی چیست.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی مطالعه این است که آیا نفت در ساختار اقتصادی استان نقش دارد یا خیر و اگر دارد این نقش بالقوه است یا بالفعل.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی مطالعه این است که نفت نقش بالقوه و بالفعل در ساختار اقتصادی استان خوزستان دارد.

پیشینه تحقیق

تری لین کارل^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود تحت عنوان معمای فراوانی به بررسی تأثیر درآمد-های نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و سیاست‌های و اقدامات دولت در کشورهای مختلف نفتی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در صورتی که نفت به درآمدهای اصلی دولت تبدیل شود تأثیرات منفی بر رشد و ساخت اقتصادی و سیاسی بر جای می‌گذارد.

ساراف و جیوانجی (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی اثر افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی بر نابرابری درآمدی در کشور بوتسوانا پرداخته‌اند. براساس نتایج این تحقیق، دولت‌مردان در این کشور با مدیریت و تخصیص مناسب این درآمدها توانسته‌اند از یک نرخ رشد اقتصادی مناسب و پایدار برخوردار شوند و نابرابری درآمدی را کاهش دهند. لیکن بیش-تر مطالعات صورت گرفته در این زمینه بر این نکته تأکید داشته‌اند که وفور منابع باعث بدتر شدن نابرابری درآمد شده است. (اوتی، ۱۹۹۴؛ فیلدز، ۱۹۸۹؛ ساراف و جیوانجی، ۲۰۰۱ و بوکلاتو، ۲۰۰۹)

مارتین و سابرامانین (۲۰۱۳) در مقاله‌ای این موضوع را در مورد کشور نیجریه بررسی کرده و نشان می‌دهند کیفیت نهادهای اقتصادی این کشور به شدت تحت تأثیر منفی درآمدهای نفتی قرار گرفته‌اند. آنها توزیع مستقیم درآمدهای نفتی در میان مردم را به عنوان راه حل این معضل پیشنهاد می‌کنند.

بختیاری و شیرین‌بخش (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی اقتصاد ایران اقدام نمودند و به این نتیجه رسیدند که افزایش درآمدهای نفتی سبب پیدایش

^۱-Terry Lane Carl

بیماری هلندی و پدیده ضد کشاورزی می‌گردد.

جرجزاده و سامتی (۱۳۹۲) در پژوهش‌های خود تحت عنوان بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران نشان داد که درآمدهای نفتی سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد در کل کشور می‌گردد.

قالیباف (۱۳۹۰) نقش درآمدهای نفتی را بر ساخت سیاسی جامعه ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. مطالعه قالیباف گویای این مسئله است که درآمدهای نفتی در پیدایش دولت رانتیر به صورت کامل و بر مسئله تمرکز و عدم توزیع قدرت سیاسی در ایران به طور نسبی موثر است.

عصاری آرانی (۱۳۸۹) به مقایسه کشورهای نفتی و کشورهای در حال توسعه غیر نفتی پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که حجم دولت در کشورهای نفتی بزرگتر و اثر بخشی آن بر بهینه ساختن توسعه انسانی بسیار کمتر از دولت‌های در حال توسعه غیر نفتی است. کارگروختیانی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان بررسی نقش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی (مورد مطالعه: آبادان ۱۳۱۲-۱۳۸۰ش) به این اشاره دارد، انعقاد قرارداد داری در سال ۱۹۰۱ میلادی اکتشاف و پیدایش صنعت نفت، باعث تأثیرات عمیقی در ساختار اجتماعی آبادان گردید. صنعت نفت در حیات مجدد این شهر و تحولات جمعیتی آن نقش اساسی داشته است. یافته‌ها حاکی از آن است که فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب غربی ایران موجب ایجاد تأسیسات و پالایشگاه‌های مدرن در آبادان شد. استخدام عشایر و روستائیان به عنوان کارگر در صنعت نفت و بهره‌مندی از امنیت نسبی، امکانات مالی ثابت و خدمات بهداشتی سبب مهاجرت افراد از نقاط مختلف به منطقه نفت خیز آبادان شد.

حاجیان‌پور و حبیبی‌نژاد (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان نقش شرکت نفت انگلیس و ایران در شکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان ۱۲۸۷ - ۱۳۳۰ به این اشاره دارد که ساختار اجتماعی مسجدسلیمان تا پیش از کشف نفت، از هر لحاظ یک ساختار سنتی و عشیره‌ای بود. با کشف و استخراج نفت در سال ۱۲۸۷/۱۹۰۸م و در پی آن، مهاجرت نیروی کار به منطقه، یک ساختار اجتماعی نوینی به جای ساختار پیشین حاکم گردید. تلاش دارد نقش شرکت نفت انگلیس و ایران را در شکل‌گیری ساختار اجتماعی مسجد سلیمان، در سه محور مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد؛ در محور اول، جمعیت و ویژگی‌های آن، از جمله مهاجرت و احداث منازل شرکتی، در محور دوم، بهداشت و درمان، و در محور سوم، آموزش و پرورش که به دو بخش شرکتی و غیر شرکتی (شهری) تقسیم می‌گردد، مورد

بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که به دنبال کشف نفت و مهاجرت نیروی کار به مسجدسلیمان، یک ساختار اجتماعی دو قطبی (شرکتی - غیر شرکتی) در این شهر حاکم گردید؛ ولی با گسترش حوزه جغرافیایی شهر و نیاز متقابل هر دو بخش از یکدیگر، به تدریج فاصله این دو بخش از یکدیگر کمتر شد و این شهر، هویت یک شهر متعارف ایرانی را پیدا کرد.

شریف‌زادگان و قانونی (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان تحلیل و مفهوم‌سازی نظری تأثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران به این اشاره دارد که موضوع دولت رانتی و وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی یکی از دغدغه‌های بزرگ کشورهایی است که با این پدیده مواجه‌اند. نظریه زمینه‌ای در ابتدا منتج به سه نظریه در تبیین تأثیرات دولت رانتی شد: ۱. دولت رانتی شکل‌گیری (افزایش) ذهنیت کوتاه‌مدت و تابع منفعت شخصی در افراد را باعث می‌شود؛ ۲. دولت رانتی تضعیف فرایند دولت‌ملت‌سازی را موجب می‌شود؛ ۳. دولت رانتی افزایش نابازارسویی اقتصادی را موجب می‌شود. سپس از تلفیق سه نظریه مذکور، نظریه فراپوش نهایی حاصل شد: «دولت رانتی موجب شکل‌گیری/ افزایش نهادهای مخرب توسعه پایدار می‌شود». در پایان، بر اساس سه مفهوم نظری حاصل‌شده، درباره تأثیرات دولت رانتی بر اقتصاد شهری مباحثی مطرح می‌شوند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی از نوع کیفی و مراجعه به کتابخانه و جمع‌آوری اسناد و منابع و تحلیل آنها بررسی شده است و روش کار در تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

- با استفاده از فرایند مصاحبه و پرس‌وجو از مسئولین، کارشناسان و صاحب نظران سازمان یا منطقه‌ای که می‌خواهید برنامه راهبردی تعیین کنید (با استفاده از اشراف خودتان بر موضوع)، نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها را تعیین کنید.
- از طریق یک پرسشنامه از کارشناسان، به هر یک از عوامل درونی و بیرونی که تعیین کردید، ارزش و یا ضریب می‌دهیم.

- سپس از طریق پرسشنامه، این شاخص‌ها و عوامل را از ۱ تا ۴ بر اساس میزان ارزش آنها رتبه‌بندی و در نهایت با ضرب رتبه در ضریب، ارزش نهایی هر عامل را تعیین می‌شود. جمع ارزش‌ها و نمرات، ارزش نهایی هر یک از عوامل چهارگانه (نقاط ضعف و قوت، تهدیدها، فرصت‌ها) محاسبه می‌شود.

- براساس این عوامل و البته ارزش‌ها، چهار نوع راهبرد مختلف برای موضوع یا سازمان یا

منطقه مورد مطالعه تعیین می‌کنیم. این راهبردها باید ترکیبی از عوامل مختلف باشد. - درنهایت با استفاده از ارزش نهایی هر یک از عوامل چهارگانه، در یک محور تعیین می‌کنیم که راهبردهای تعیین شده عموماً از چه نوعی و در چه مسیری باید تعیین شوند. جامعه آماری ۱۸ نفر کارشناس برنامه‌ریز که با شناخت و آگاهی کامل نسبت به مسائل سطح توسعه استان خوزستان انتخاب شدند و با ارسال پرسشنامه به صورت الکترونیکی (از طریق ساخت پرسشنامه ۴۰ سؤالی) به صاحب‌نظران ارسال شد و بعد از پیگیری و اطلاع-رسانی پرسشنامه پس از تکمیل بازگردانده شده‌اند.

در بخشی از این تحقیق، از تکنیک SWOT استفاده می‌شود. در تجزیه و تحلیل SWOT هدف این است که از لحاظ استراتژیک برای استان خوزستان چه سیاست‌های وضع شود و همچنین اولویت توسعه در استان تعیین شود تا بتوان با سیاست‌های مشخص و استراتژیک معین در آن بخش اقدام به برنامه‌ریزی کرده که برای رسیدن به این اهداف از روش SWOT استفاده شده است؛ و در انتها با ارائه پیشنهاداتی در جهت سیاست‌گذاری برای توسعه استان استفاده شده است.

در ادامه بعد از تحلیل اطلاعات داده‌ها و آمارهای موجود به بررسی نقش نفت در ساختار اقتصادی استان خوزستان پرداخته و برای بالا بردن کیفیت اطلاعات از بخش کمی به کیفی به مصاحبه کارشناسان در راستای موضوع مذکور پرداخته شده و در این مصاحبه از ۲۱ نفر کارشناس جهت مصاحبه صورت گرفته است.

بر مبنای روش شناسی تشریح شده در تمامی مصاحبه‌های استخراج شده جامعه آماری انتخاب شده برای مصاحبه نیمه ساختار و بدون ساختار یافته شامل کارشناسان و فعالین مربوط به بحث‌های توسعه‌ای استان که در زمینه‌های توسعه اجتماعی نقش فعالی دارند؛ که محقق فرایند مصاحبه را تا جایی ادامه دهد که به اشباع نظری و داده‌های مورد نظر خود برسد و همچنین بعد از پیاده سازی مصاحبه‌ها به کدها تبدیل شدند که در ابتدا کدگذاری باز، سپس، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری گزینشی انتخاب گردید و پس از دسته‌بندی کدهای مشابه و تبدیل آنها به مفاهیم، مقوله‌ها از آنها مشتق شدند.

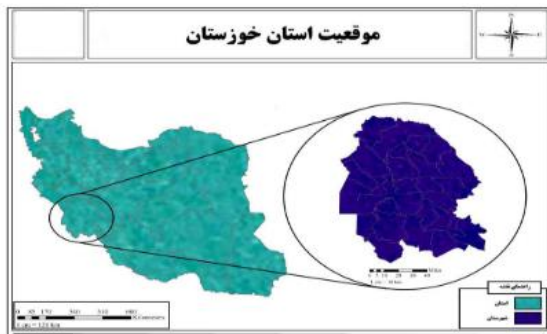
یافته‌های تحقیق

- موقعیت جغرافیایی

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۳۶۳۳ کیلومتر مربع و سهم مساحتی حدود ۳/۹ درصد از مساحت کل کشور است. که بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه عرض شمالی از خط

استوا و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ در جنوب غربی کشور ایران واقع شده است. استان خوزستان از شمال با استان لرستان، از شمال غربی با استان ایلام، از مشرق با استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب شرقی با استان بوشهر، از مغرب با کشور عراق و از جنوب با خلیج فارس هم‌مرز است.

نقشه ۱- موقعیت استان خوزستان (تلخیص نگارنده)



از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۵ در ایران، تغییرات تقسیمات کشوری خوزستان در جهت افزایش واحدهای تقسیمات کشوری بوده که این تغییرات از ۱۱ شهرستان در سال ۱۳۵۵ به ۲۷ شهرستان در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

- توپوگرافی

بر اساس آماری که معاونت آبخیزداری وزارت جهاد کشاورزی ارائه نموده، حدود ۸۵ درصد از وسعت استان دارای اقلیم فراخشک، خشک و نیمه خشک است. از ویژگی‌های مناطق خشک، بالا بودن درجه حرارت، بالا بودن میزان تبخیر سطحی، پایین بودن میزان نزولات جوی و شوری خاک است. به دلیل کمی بارندگی، پوشش گیاهی در این مناطق، فقیر و پراکنده است. در استان خوزستان، نزدیک به ۷ ماه از سال (از نیمه فروردین تا نیمه آبان) متوسط درجه حرارت هوا، ۳۰ درجه سانتیگراد یا بیشتر است و حداکثر آن در فصل تابستان به بالای ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. افزایش دما و رطوبت هوا که اصطلاح شرجی گفته می‌شود، سبب گرمای آزاردهنده می‌شود. این پدیده باعث اختلال در تعرق، فشار زیاد به دستگاه تنفسی، گرمادگی و تأثیر منفی شدید روی اعصاب و روان افراد می‌گردد. گرمای زیاد و شرجی و... می‌توان گفت وضعیت آب و هوایی استان یکی از مهمترین علل مهاجرت از استان خوزستان به استان‌هایی که وضعیت جوی مساعدتری دارند، شده است.

مساحت مراتع استان، بیش از ۲/۵ میلیون هکتار است که حدود ۲۳ درصد آن خوب بقیه در گروه مراتع متوسط و فقیر قرار می‌گیرند. وسعت بیابان‌های استان خوزستان، حدود ۱/۳

میلیون هکتار (معادل ۲۰/۲ درصد مساحت استان) است که در اقلیم فراخشک و خشک استان (جنوب و جنوب غربی استان) قرار دارند.

- تعداد جمعیت

جدول ۱- تعداد جمعیت استان خوزستان بین سال ۱۳۵۵-۱۳۹۵

سال	جمعیت کل استان
۱۳۵۵	۲۱۸۷۱۱۸
۱۳۶۵	۲۶۸۱۹۷۸
۱۳۷۵	۳۷۴۷۷۷۲
۱۳۸۵	۴۲۷۴۹۷۹
۱۳۹۵	۴۷۱۰۵۰۹

مأخذ: داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

جدول ۱- نشان می‌دهد که جمعیت استان خوزستان از ۲۱۸۷۱۱۸ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۷۱۰۵۰۹ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. که حدود ۶ درصد از جمعیت کل کشور است.

- سکونتگاه‌ها برحسب کارکردهای اقتصادی، اجتماعی

برای تعیین نقش کارکردی شهرها، مدل بوزوگاریه به شش بخش یعنی کشاورزی، بازرگانی، خدماتی صنعتی، صنعتی شدید و چند نقشی تقسیم شده است. به منظور تعیین کارکرد شهر-های استان خوزستان، آمار شاغلین نقاط شهری شهرستان‌های استان در جدول‌های نمایان شده‌اند.

جدول ۲- تعداد شاغلین نقاط شهری شهرهای استان به تفکیک بخش‌های سه گانه در سال ۱۳۹۵

ردیف شهر	شهرستان	جمع	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱	آبادان	۵۳/۰۷۴	۳/۳۲۸	۱۷/۳۶۶	۳۲/۳۸۹
۲	امیدیه	۱۴/۵۳۱	۱۱۹	۹۵/۳۹۲	۶/۳۴۳
۳	اندیمشک	۲۶/۱۸۹	۱/۷۱۵	۸/۰۸۵	۱۶/۳۸۹
۴	اهواز	۲۶۲/۴۳۴	۴/۸۰۱	۹۵/۳۹۲	۱۶۲/۲۴۱
۵	ایذه	۲۰/۸۹۹	۲۸۳	۷/۹۱۷	۱۲/۶۹۹
۶	باغملک	۷/۳۹۴	۷۲۲	۱/۸۶۴	۴/۸۰۸
۷	بندر ماهشهر	۵۲/۸۵۶	۸۵۶	۲۲/۳۴۶	۲۹/۶۵۶
۸	بهبهان	۳۱/۰۰۹	۱/۵۱۶	۹/۵۶۷	۱۹/۹۲۶
۹	خرمشهر	۳۱/۵۵۵	۴۴۸	۹/۵۴۰	۲۰/۵۶۷
۱۰	دزفول	۷۲/۲۹۴	۵/۶۳۶	۲۰/۰۴۷	۴۶/۶۱۱
۱۱	دشت آزادگان	۱۱/۲۰۲	۱/۵۰۹	۲/۰۱۸	۷/۶۷۵
۱۲	رامشیر	۵/۴۴۰	۳۷۳	۱/۵۷۰	۳/۴۹۷
۱۳	رامهرمز	۱۵/۶۵۶	۵۷۸	۴/۸۶۸	۱/۲۱۰

فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۴۰۰

۶/۱۲۶	۲/۶۶۳	۲۸۳	۹/۰۷۲	شادگان	۱۴
۸/۸۹	۴/۲۲۵	۱/۶۲۵	۱۴/۷۴۰	شوش	۱۵
۱۳/۷۶۸	۸/۶۴۱	۱/۰۰۲	۲۳/۴۱۱	شوشتر	۱۶
۲/۷۹۴	۱/۹۷۴	۴۱۷	۵/۱۸۵	گتوند	۱۷
۲/۲۰۸	۱/۷۲۴	۹۲	۴/۰۲۴	لالی	۱۸
۱۵/۰۹۳	۷/۵۳۶	۴۷۰	۲۳/۰۹۹	مسجد سلیمان	۱۹
۳/۰۲۹	۱/۰۲۰	۳/۰۱۷	۷/۰۶۶	هندیجان	۲۰
۴۲۴/۹۱۴	۲۳۶/۴۲۷	۲۸/۷۸۰	۶۹۰/۱۳۰	استان	

مأخذ: نشریه نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن استان خوزستان ۱۳۹۵

جدول ۳- سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی و سهم اشتغال به تفکیک خصوصی عمومی در سال ۱۳۹۵

ردیف شهر	شهرستان	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱	آبادان	۶/۳	۳۲/۷	۶۱
۲	امیدیه	۰/۸	۵۵/۵	۴۳/۷
۳	اندیمشک	۶/۵	۳۰/۹	۶۲/۶
۴	اهواز	۱/۸	۳۶/۳	۶۱/۸
۵	ایذه	۱/۴	۳۷/۹	۶۰/۸
۶	باغملک	۹/۸	۲۵/۲	۴۲/۳
۷	بندرماهشهر	۱/۶	۴۲/۳	۵۶/۱
۸	بهبهان	۴/۹	۳۰/۹	۶۴/۳
۹	خرمشهر	۱/۵	۳۱/۲	۶۷/۳
۱۰	دزفول	۷/۸	۲۷/۷	۶۴/۵
۱۱	دشت آزادگان	۱۳/۵	۱۸	۶۸/۵
۱۲	رامشیر	۶/۹	۲۸/۹	۶۴/۳
۱۳	رامهرمز	۳/۷	۳۱/۱	۶۵/۲
۱۴	شادگان	۳/۱	۲۹/۴	۶۷/۵
۱۵	شوش	۱۱	۲۸/۷	۶۰/۳
۱۶	شوشتر	۴/۳	۳۶/۹	۵۸/۸
۱۷	گتوند	۸	۳۸/۱	۵۳/۹
۱۸	لالی	۲/۳	۴۲/۸	۵۴/۹
۱۹	مسجد سلیمان	۲	۳۳/۶	۶۵/۴
۲۰	هندیجان	۴۲/۷	۱۴/۴	۴۲/۹
استان		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

جدول ۴- سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی و سهم اشتغال به تفکیک خصوصی- عمومی در سال ۱۳۹۵

سهم اشتغال	سهم اشتغال در هر بخش				سهم اشتغال در هر بخش
	کشاورزی	صنعت	خدمات	خصوصی	عمومی
کشور	۱۸	۳۲/۵	۴۹/۴	۸۳/۳	۱۶/۷
مرد	۱۷/۱	۳۴/۲	۴۸/۷	۸۵/۱	۱۴/۹
زن	۲۲/۸	۲۳/۸	۵۳/۴	۷۴/۲	۲۵/۸
استان	۱۷/۵	۳۱/۲	۵۱/۴	۸۲/۳	۱۷/۷
مرد	۱۴/۹	۳۳/۹	۵۱/۲	۸۳/۶	۱۶/۴
زن	۳۲/۸	۱۴/۷	۵۲/۵	۷۴/۶	۲۵/۴

ماخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵

با توجه به جدول فوق توزیع شاغلین سه گانه نقاط شهری استان نشان می‌دهد که پنج شهر در بخش بازرگانی، ۱۴ شهر در بخش خدماتی و یک شهر یعنی هندیجان نیز در بخش چند نقشی قرار می‌گیرد به جز یک شهر یعنی امیدیه که با نزدیک شدن به بخش صنعتی در مدل تا حدودی به نقش صنعتی نزدیک می‌شود، هیچ نقطه شهری در درون شهرها در بخش صنعتی و صنعتی شدید قرار نمی‌گیرد. شهرهایی که کارکرد آنها در بخش خدماتی مدل قرار گرفته‌اند شامل امیدیه، بندر ماهشهر، شوشتر، گتوند و لالی می‌باشند. بقیه شهرهای استان در بخش خدماتی تعیین کارکرد شده‌اند.

با توجه به جداول سهم شاغلین بخش خدمات نسبت به دو بخش کشاورزی و صنعت بسیار بالاتر است. از این رو می‌توان گفت که در درجه نخست شهرهای استان به مانند بسیاری از شهرهای ایران و جهان کارکرد خدماتی دارند؛ اما در همین جدول سهم بخش خدمات در تمام شهرها یکسان نیست. به عنوان مثال در شهر امیدیه که اساساً در ارتباط با استخراج صنعت نفت و گاز به وجود آمده و رشد کرده است، سهم شاغلین بخش صنعت ساکنان حتی از سهم بخش خدمات نیز بالاتر است. در نقاط شهری بندر ماهشهر نیز اگرچه سهم بخش صنعت کمتر از بخش خدمات است لیکن این بخش با بیش از ۴۲ درصد، سهم بزرگی از فعالیت را در نقاط شهری این شهرستان تشکیل می‌دهد. در شهر لالی نیز که در ارتباط با توسعه صنایع نفت و گاز به وجود آمده، سهم بخش صنعت بیش از ۴۲ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده است. در هندیجان با توجه به اینکه شاغلین در بخش کشاورزی فعال هستند در سهم شاغلین بخش کشاورزی حتی با سهم بخش خدمات برابری می‌کند و هر دو بیش از ۴۲ درصد کل شاغلین نقاط شهری شهرستان را به خود اختصاص داده است. بنابراین به رغم آنکه نقش غالب بسیاری از شهرهای استان، نقش خدماتی است اما در برخی از شهرهای استان

که با فعالیت‌های تخصصی و ویژه‌های نظیر استخراج نفت و گاز پیوند خورده است، نقش کارکردی معینی در اینگونه شهرها ایجاد شده است.

یافته‌های تحلیلی

منابع درآمدی استان

جدول ۵- منابع درآمدی استان خوزستان در سال ۱۳۹۵

عنوان		
استانی	درآمدهای عمومی	منابع
دو درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز		
ملی		
استانی	درآمدهای اختصاصی	
سایر منابع	سایر منابع	

در جدول ۵ بخش منابع مشتمل بر درآمدهای استانی از محل درآمدهای عمومی، درآمد-های اختصاصی و سایر منابع (خودپاری و ...) است. درآمدهای عمومی خود مشتمل بر درآمد از محل منابع استانی و درآمد از محل منابع ملی می‌باشد. درآمدهای استانی شامل ردیف‌های درآمدی تعریف شده در بودجه‌های سنواتی از جمله درآمدهای مالیاتی، سایر درآمدها، درآمد-های متفرقه و فروش اموال منقول و غیرمنقول است. درآمدهای ملی که در بودجه استانی لحاظ شده است خود شامل دو درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی و سایر می‌باشد. سایر منابع درآمدی شامل منابع داخلی، اوراق مشارکت و... که به عنوان سایر منابع توسط دستگاه‌های اجرایی، شهرداری‌ها و ... در موافقت نامه‌های استانی درج می‌گردد.

- کارکردهای استان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و درون منطقه‌ای بر اساس درآمد

- کارکردهای سطح ملی

- مقایسه نرخ رشد سالانه استان و کشور

برای بررسی نرخ رشد سالانه استان با کشور سهم تولید ناخالص داخلی حاصل از درآمد-های نفتی بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کلیدی استان و کشور باهم مقایسه شده است.

جدول ۶- سهم تولید ناخالص داخلی و بخش‌های کلیدی استان (با احتساب درآمدهای نفتی)

۱۳۹۵				۱۳۸۵			
رتبه	نام استان	تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال)	سهم استان (درصد)	رتبه	نام استان	تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال)	سهم استان (درصد)
۱	تهران	۱۵۳۷۲۸	۲۴/۴	۱	تهران	۱۳۳۹۹۶۹	۲۸/۲
۲	خوزستان	۹۰۸۵۱	۱۴/۴	۲	خوزستان	۶۱۴۷۲۵	۱۲/۹
۳	خراسان رضوی	۳۹۱۳۰	۶/۲	۳	اصفهان	۲۹۵۶۲۷	۶/۲
۴	اصفهان	۳۸۸۲۱	۶/۲	۴	خراسان رضوی	۲۴۵۲۴۳	۵/۲
۵	کهگیلویه و بویراحمد	۳۲۶۶۰	۵/۲	۵	فارس	۱۹۱۲۶۷	۴
۶	فارس	۲۵۹۳۹	۴/۱	۶	مازندران	۱۶۷۵۰۶	۳/۵
۷	آذربایجان شرقی	۲۴۹۲۱	۴	۷	آذربایجان شرقی	۱۶۳۸۶۴	۲/۵
۸	مازندران	۲۱۹۸۴	۳/۵	۸	کرمان	۱۲۶۶۹۱	۲/۷
۹	کرمان	۲۰۱۴۰	۳/۲	۹	بوشهر	۱۱۹۵۵۰	۲/۵
۱۰	گیلان	۱۵۶۸۶	۲/۵	۱۰	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۱۴۳۶	۲/۳
۱۱	آذربایجان غربی	۱۳۸۱۸	۲/۲	۱۱	گیلان	۱۰۲۷۴۴	۲/۲
۱۲	مرکزی	۱۳۸۱۸	۲/۲	۱۲	آذربایجان غربی	۸۸۸۴۲	۱/۹
۱۳	هرمزگان	۱۱۹۶۷	۱/۹	۱۳	مرکزی	۸۷۹۴۹	۱/۹
۱۴	قزوین	۱۰۰۵۰	۱/۶	۱۴	هرمزگان	۸۳۹۹۸	۱/۸
۱۵	گلستان	۹۰۵۸	۱/۴	۱۵	کرمانشاه	۷۷۸۱۳	۱/۶
	کل کشور	۶۳۰۰۳۹	۸۳		کل کشور	۴۷۵۲۱۲۲	۸۰/۳

حساب‌های استانی مرکز آمار ایران

بر اساس جدول ۶ با احتساب ارزش افزوده درآمدهای نفتی، سهم استان خوزستان از تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۵ کشور حدود ۱۳ درصد است و از این نظر در جایگاه دوم پس از استان تهران قرار دارد. در سال ۱۳۸۵ نیز استان خوزستان در همین جایگاه قرار داشته است.

جدول ۷- تولید ناخالص داخلی و رتبه ۱۵ استان برتر کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ (بدون احتساب درآمدهای نفتی)

۱۳۹۵				۱۳۸۵			
رتبه	نام استان	تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال)	سهم استان (درصد)	رتبه	نام استان	تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال)	سهم استان (درصد)
۱	تهران	۱۵۳۵۷۰	۲۹/۶	۱	تهران	۱۵۳۵۷۰	۲۹/۶
۲	خراسان رضوی	۳۹۰۷۸	۷/۵	۲	اصفهان	۲۹۵۶۲۷	۷/۴
۳	اصفهان	۳۸۸۲۱	۷/۵	۳	خراسان رضوی	۲۴۴۸۰۶	۶/۱
۴	خوزستان	۳۶۴۴۱	۷/۰	۴	خوزستان	۲۳۲۴۸۶	۵/۸
۵	فارس	۲۵۸۷۲	۵/۰	۵	فارس	۱۸۵۲۸۲	۴/۶
۶	آذربایجان شرقی	۲۴۹۲۱	۴/۸	۶	مازندران	۱۶۷۵۰۶	۴/۲
۷	مازندران	۲۱۹۸۴	۴/۲	۷	آذربایجان شرقی	۱۶۳۶۸۴	۴/۱
۸	کرمان	۲۰۱۴۰	۳/۹	۸	کرمان	۱۲۶۶۹۱	۳/۲
۹	گیلان	۱۵۶۸۶	۳/۰	۹	گیلان	۱۰۲۷۷۴	۲/۶
۱۰	آذربایجان غربی	۱۳۹۶۱	۲/۷	۱۰	آذربایجان غربی	۸۸۸۴۲	۲/۲
۱۱	مرکزی	۱۳۸۱۸	۴/۷	۱۱	مرکزی	۸۷۹۴۹	۲/۲
۱۲	هرمزگان	۱۱۹۲۸	۲/۳	۱۲	بوشهر	۸۶۵۲۹	۲/۲
۱۳	قزوین	۱۰۰۵۰	۱/۹	۱۳	هرمزگان	۸۳۰۹۱	۲/۱
۱۴	گلستان	۹۰۵۸	۱/۷	۱۴	کرمانشاه	۷۷۷۲۳	۱/۹
۱۵	همدان	۹۰۴۰	۱/۷	۱۵	یزد	۶۷۷۱۶	۱/۷
	کل کشور	۵۱۹۲۵۰	۱۰۰		کل کشور	۳۹۹۰۳۹۴	۱۰۰

حساب‌های استانی مرکز آمار ایران

با توجه به جدول ۷ بدون احتساب ارزش افزوده درآمدهای نفتی، سهم استان خوزستان از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ کشور حدود ۵/۸ درصد است و از این نظر در جایگاه چهارم پس از استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی قرار دارد در سال ۱۳۸۵ نیز بدون احتساب درآمدهای نفتی استان خوزستان در جایگاه چهارم بین استانهای کشور قرار داشته است.

- فعالیت معدن و صنعت

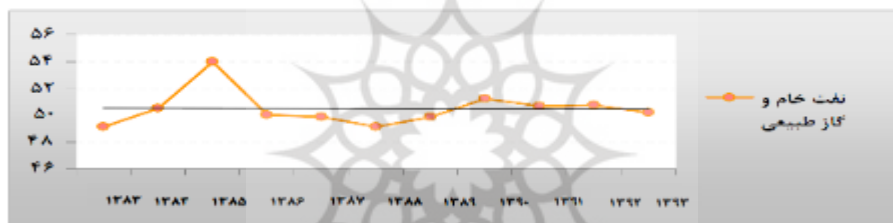
جدول ۸- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت معدن در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

فعالیت معدن و صنعت		سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور		متوسط نرخ رشد سالانه	
		۱۳۹۵	۱۳۸۵	کشور	استان
معدن		۴۷/۸	۴۷/۸	۲۱/۵	۲۱/۵
نفت و گاز		۴۹/۱	۵۰/۲	۲۱/۳	۲۱/۵
سایر معادن		۱/۹	۱/۲	۲۸/۸	۲۳/۱
صنعت		۱۲/۳	۹/۹	۲۰/۸	۱۸/۲

جدول ۹- تغییر رتبه فعالیت معدن و صنعت استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

رتبه	نفت و گاز		سایر معادن		صنعت	
	۸۵	۹۵	۸۵	۹۵	۸۵	۹۵
۱	خوزستان	خوزستان	کرمان	کرمان	تهران	تهران
۲	کهگیلویه و بویراحمد	کهگیلویه و بویراحمد	یزد	یزد	اصفهان	اصفهان
۳	ایلام	بوشهر	فارس	فارس	خوزستان	خوزستان
۴	بوشهر	ایلام	خراسان رضوی	آذربایجان شرقی	مرکزی	آذربایجان شرقی
۵	تهران	تهران	اصفهان	اصفهان	آذربایجان غربی	بوشهر

با توجه به جدول ۹ بخش نفت و گاز استان خوزستان ۵۰/۲ درصد از ارزش افزوده سال ۱۳۹۵ کشور در این بخش را ایجاد می‌کند و از این نظر در جایگاه اول در سطح کشور قرار دارد و نمودار (۱) نشان‌دهنده ثبات نسبی متوسط این سهم در دوره ده ساله است. نمودار ۱- تغییرات سهم نفت خام و گاز طبیعی استان خوزستان در ارزش افزوده بخش نظیر در کشور



صنعت

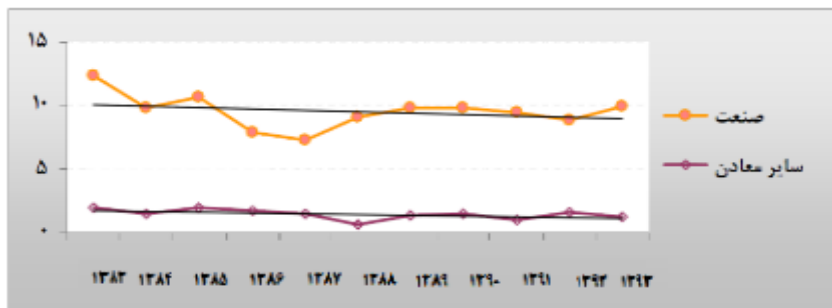
بخش صنعت استان در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۲/۳ درصد ارزش افزوده این بخش در کشور را تولید کرده و این سهم در طول این دوره به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است به طوری که در سال ۱۳۹۵ به ۹/۹ درصد رسیده است، این تغییر نشان‌دهنده آن است که روند رشد این بخش در سایر استان‌ها به طور متوسط سریع‌تر از رشد این بخش در استان خوزستان بوده است. استان خوزستان از نظر رتبه ارزش افزوده در هر دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ در رتبه سوم، پس از تهران و اصفهان قرار دارد.

سایر معادن

ارزش افزوده سایر معادن استان خوزستان (به جز نفت و گاز) در سال ۱۳۹۵ تنها نزدیک به ۱/۲ درصد ارزش افزوده نظیر در سطح کشور را دارد و در همین حال از جایگاه قابل توجهی بین سایر استان‌ها برخوردار نیست، رتبه ۱۲ بین استان‌های کشور به علاوه نرخ رشد ارزش افزوده بخش سایر معادن، از نرخ نظیر در کشور اندکی کمتر است و سهم ارزش افزوده

این فعالیت در کشور نیز نشان می‌دهد در دوره ده ساله مورد بررسی به طور متوسط حدود ۰/۶ درصد از سهم این بخش در کشور کاسته شده است.

نمودار ۲- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیتهای صنعتی و سایر معادن کشور



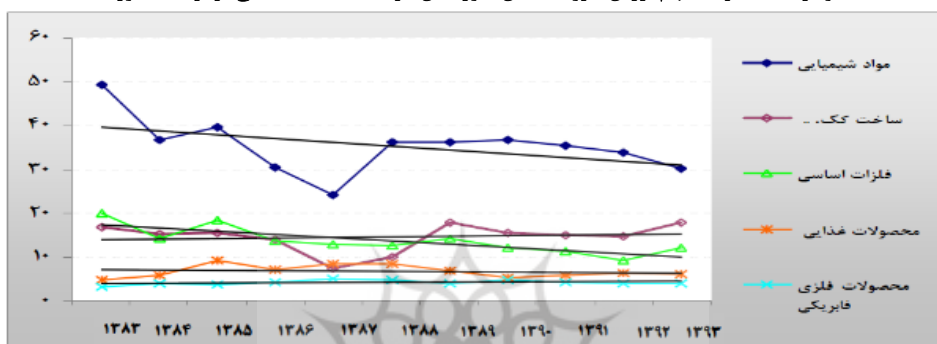
- فعالیت‌های صنعتی برگزیده

جدول ۱۰- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های صنعتی برگزیده در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

فعالیت‌های صنعتی برگزیده		سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور		متوسط نرخ رشد سالانه	
		۱۳۸۵	۱۳۹۵	استان	کشور
غذایی		۴/۶	۶/۰	۲۱/۴	۱۸/۳
توتون و تنباکو		۰	۰	۰	۰
منسوجات		۰/۶	۰/۶	۸/۶	۱۰/۱
پوشاک		۰/۲	۲/۶	۱۱/۹	۹/۲
چرم		۰/۹	۰/۵	۰	۱۲/۱
چوب		۳/۸	۳/۵	۲۳/۱	۲۳/۹
کاغذ		۸/۱	۴/۳	۵/۴	۱۲/۴
انتشار		۱/۰	۰/۹	۱۴/۰	۱۵/۳
فرآورده‌های نفتی		۱۶/۷	۱۷/۹	۲۸/۹	۲۸/۰
شیمیایی		۴۹/۳	۳۰/۰	۱۵/۱	۲۱/۰
لاستیک، پلاستیک		۲/۰	۲/۰	۲۱/۵	۲۰/۰
کانی غیرفلزی		۴/۹	۴/۸	۲۲/۳	۲۲/۶
فلزات اساسی		۱۹/۹	۱۲/۰	۱۴/۳	۲۰/۲
فلز فابریکی		۳/۱	۴/۱	۲۴/۸	۲۱/۵
سایر ماشین‌آلات		۰/۷	۱/۲	۲۴/۰	۱۸/۱
ماشین‌آلات برقی		۰/۹	۱/۵	۲۹/۱	۲۳/۱
ابزار پزشکی		۱/۱	۱/۱	۲۴/۹	۲۵/۱
نقلیه موتوری		۰/۱	۰/۲	۳۴/۹	۲۴/۲
سایر تجهیزات حمل و نقل		۳/۳	۱/۹	۱۵/۲	۲۱/۸
مبلمان		۲/۱	۲/۵	۲۹/۳	۲۷/۴
بازیافت		۳/۹	۴/۱	۵۲/۰	۵۱/۲

رتبه	غذایی		فراآورده های نفتی		شیمیایی		فلزات	
	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
۱	تهران	تهران	اصفهان	اصفهان	خوزستان	خوزستان	اصفهان	اصفهان
۲	آذربایجان شرقی	خراسان رضوی	مرکزی	تهران	اصفهان	تهران	کرمان	خوزستان
۳	آذربایجان شرقی	خراسان رضوی	مرکزی	تهران	اصفهان	تهران	کرمان	خوزستان
۴	آذربایجان غربی	مازندران	خوزستان	هرمزگان	مرکزی	کرمانشاه	مرکزی	یزد
۵	مازندران	آذربایجان شرقی	هرمزگان	آذربایجان شرقی	آذربایجان شرقی	اصفهان	تهران	تهران

نمودار ۳- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت های صنعتی برگزیده کشور



- صنعت غذایی

براساس جدول ۱۰ صنعت غذایی استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ تأمین کننده ۶ درصد ارزش افزوده این رشته در سطح ملی است، هرچند این سهم قابل توجه است، اما با توجه به منابع آب و خاک و کشاورزی گسترده، انتظار عقلایی سهم بیشتری را طلب می کند چند دلیل توسعه نیافتن صنعت غذایی در استان خوزستان عبارتند از (۱) غلبه کشت گندم، (۲) موضوع تازه فروشی محصولات کشاورزی به دلیل ارزش نوبرانه آن، (۳) سهم بالای سبزیجات و صیفی-جات در تولید کشاورزی استان است که به فناوری صنعتی نیاز چندانی ندارد و (۴) پایین بودن سطح باغ های میوه (به جز خرما).

- صنعت شیمیایی

زیر بخش صنعت شیمیایی - پتروشیمی یکی از مهمترین رشته های صنعتی استان است که در سطح کشور نیز جایگاه بسیار مهمی دارد. ارزش افزوده این بخش صنعتی در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ با کاهش شدید از ۴۹/۳ به حدود ۳۰ درصد ارزش افزوده کشور در این بخش تنزل یافته است. با وجود این کاهش شدید، هنوز استان خوزستان در طول این دوره ده ساله در رتبه نخست کشور قرار دارد.

کاهش سهم استان از ارزش افزوده این فعالیت در سطح ملی به دلیل رشد سریع تر سرمایه‌گذاری و تولید در سایر استان‌ها است. با توجه به فراهم بودن منابع نفت و گاز هم به عنوان سوخت و هم به عنوان خوراک پتروشیمی و مواد اولیه صنایع شیمیایی در استان و بهره‌ناشی از وجود صنایع مرتبط و امکان ایجاد خوشه‌های صنعتی، سرمایه‌گذاری بیشتر در این زمینه در استان خوزستان موجه و مورد نیاز است.

- فلزات اساسی

زیر بخش فلزات اساسی نیز یکی از مهمترین رشته‌های صنعتی استان است که در سطح ملی نیز از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. این زیر بخش در سال ۱۳۹۵، حدود ۱۲ درصد ارزش افزوده این رشته در سطح کشور را ایجاد کرده و در جایگاه سوم در سطح ملی قرار دارد. روند تغییرات نشان دهنده کاهش شدید سهم ارزش افزوده این زیر بخش صنعتی استان خوزستان از حدود ۲۰ درصد به ۱۲ درصد ارزش افزوده در سطح ملی کاهش یافته است. به این ترتیب جایگاه استان خوزستان از رتبه دوم پس از اصفهان، با پیشی گرفتن استان کرمان در این زمینه به رتبه سوم پس از استان‌های اصفهان و کرمان کاهش یافته است.

- فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت

ارزش افزوده زیر بخش کک و فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت خام استان خوزستان نیز در سطح ملی بسیار اهمیت دارد. سهم این زیر بخش استان در ارزش افزوده نظیر در کشور در سال ۱۳۹۵ نزدیک به ۱۸ درصد و در مقام دوم کشور پس از اصفهان قرار دارد. روند تحولات این بخش نشان می‌دهد که جایگاه این زیر بخش در دوره ده ساله با سبقت گرفتن از استانهای تهران و مرکزی از رتبه ۴ به رتبه ۲ افزایش یافته است.

باوجود دسترسی استان به منابع اولیه صنعت تولید محصولات لاستیک و پلاستیک، سهم استان ارزش افزوده ملی این صنعت به طور غیرقابل انتظاری پایین و در حد ۲/۳ درصد قرار دارد. هرچند سهم ارزش افزوده زیر بخش‌های صنعت فلزی فابریکی و ماشین آلات برقی استان از کشور بالا نیست، اما رشد این دو در دوره مورد بررسی، روند افزایشی قابل توجهی داشته است: در صنعت فلزی فابریکی از ۳/۱ به ۴/۱ و در صنعت تولید ماشین آلات برقی از ۰/۹ به ۱/۵ درصد است.

- تسهیلات عمومی

جدول ۱۱- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های تسهیلات عمومی در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

فعالیت‌های تسهیلات عمومی		سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور		متوسط نرخ رشد سالانه	
		۱۳۸۵	۱۳۹۵	استان	کشور
تأمین آب، برق و گاز طبیعی		۱۲/۳	۱۱/۱	۲۵/۶	۲۶/۸
برق		۱۴/۳	۱۳/۸	۲۰/۶	۲۱/۰
توزیع گاز طبیعی		۸/۰	۹/۶	۴۱/۳	۳۸/۸
آب		۱۰/۹	۸/۸	۱۲/۵	۱۵/۱
ساختمان		۹/۳	۴/۳	۱۶/۹	۲۶/۱
ساختمان مسکونی		۳/۸	۳/۹	۲۸/۵	۲۸/۲
سایر ساختمان‌ها		۱۲/۷	۴/۷	۲۲/۰	۲۱/۵

جدول ۱۲- تغییر رتبه فعالیت‌های تسهیلات عمومی استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

رتبه	برق		توزیع گاز طبیعی		آب		ساختمان	
	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
۱	تهران	خوزستان	تهران	بوشهر	تهران	تهران	تهران	تهران
۲	خوزستان	تهران	اصفهان	اصفهان	خوزستان	فارس	خوزستان	خراسان رضوی
۳	اصفهان	کرمانشاه	خراسان رضوی	تهران	خراسان رضوی	کرمان	خراسان رضوی	اصفهان
۴	مرکزی	اصفهان	بوشهر	خوزستان	فارس	خوزستان	اصفهان	فارس
۵	مازندران	خراسان رضوی	خوزستان	فارس	اصفهان	اصفهان	فارس	خوزستان

مطابق با جدول ۱۲ سهم ارزش افزوده بخش تسهیلات عمومی (شامل آب، برق و توزیع گاز طبیعی) به طور سرجمع در کشور به‌طور خفیف کاهشی بوده است. تنها زیربخش برق یک روند افزایشی خفیف را نشان می‌دهد، سهم بخش ساختمان نیز کاهشی بوده است.

- تسهیلات عمومی

بخش تسهیلات عمومی (شامل آب، برق و توزیع گاز طبیعی)، سهم ارزش افزوده این بخش در سطح ملی در این دوره از ۱۲/۳ به ۱۱/۱ تنزل یافته است و در زیر بخش برق، در سال ۱۳۹۵ سهم ارزش افزوده استان در رتبه نخست و در زیر بخش توزیع گاز و آب در رتبه چهار کشور قرار دارد.

- ساختمان

در بخش ساختمان شاهد کاهش قابل توجه سهم ارزش افزوده استان از ۹/۳ به ۴/۳ درصد در این دوره ده‌ساله هستیم. جایگاه دوم کشور پس از تهران قرار داشته که در سال ۱۳۹۵ به

رتبه پنجم تنزل پیدا کرده و پس از استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان و فارس قرار گرفته است. این کاهش قابل توجه سهم ارزش افزوده استان در بخش ساختمان بیشتر ناشی از کاهش سهم ارزش افزوده استان در زیر بخش سایر ساختمان‌ها (غیر از ساختمان‌های مسکونی و شامل ساختمان‌های دولتی و راه‌سازی) است که از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴/۷ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.

- خدمات اقتصادی

جدول ۱۳- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات اقتصادی در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

فعالیت‌های خدمات اقتصادی عمده فروشی، خرده‌فروشی، ... و هتل و رستوران		سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور		متوسط نرخ رشد سالانه	
		۱۳۸۵	۱۳۹۵	استان	کشور
عمده و خرده‌فروشی، تعمیر		۵/۲	۵/۴	۲۲/۰	۲۱/۵
هتل و رستوران		۳/۵	۳/۶	۲۲/۶	۲۲/۵
هتل		۱/۶	۲/۸	۳۳/۹	۲۶/۴
رستوران		۳/۹	۳/۸	۲۱/۳	۲۱/۶

جدول ۱۴- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات اقتصادی استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

رتبه	عمده و خرده‌فروشی، تعمیر		هتل و رستوران	
	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
۱	تهران	تهران	تهران	تهران
۲	خوزستان	اصفهان	خراسان رضوی	خراسان رضوی
۳	خراسان رضوی	خراسان رضوی	اصفهان	اصفهان
۴	اصفهان	خوزستان	مازندران	مازندران
۵	فارس	آذربایجان شرقی	گیلان	گیلان

با توجه به جدول ۱۴ ارزش افزوده خدمات اقتصادی در فعالیت نظیر در سطح کشور به صورت بسیار کم در استان افزایش داشته است از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۵/۴ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است.

خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات

جدول ۱۵- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات کشور با احتساب درآمدهای نفتی

فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات		سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور		متوسط نرخ رشد سالانه	
		۱۳۸۵	۱۳۹۵	استان	کشور
حمل و نقل و ارتباطات		۸/۶	۶/۳	۱۹/۱	۲۳/۰
حمل و نقل		۸/۶	۶/۳	۱۹/۱	۲۱/۷
حمل و نقل زمینی		۸/۴	۶/۳	۱۸/۵	۲۲/۱
راه‌آهن		۱۰/۷	۷/۵	۱۵/۴	۱۹/۶
جاده‌ای		۸/۳	۶/۱	۱۸/۳	۲۲/۰
حمل و نقل لوله‌ای		۱۵/۴	۱۶/۶	۳۳/۹	۲۳/۸
آبی		۲۶/۰	۲۸/۰	۱۳/۱	۱۲/۳
هوایی		۴/۷	۶/۰	۲۰/۸	۱۷/۸
پشتیبانی انبارداری		۱۲/۵	۱۵/۶	۲۵/۶	۲۲/۹
پست مخابراتی		۳/۰	۱/۳	۱۸/۴	۲۹/۳
واسطه‌گری مالی		۳/۱	۱/۷	۲۱/۳	۲۸/۹
بانک		۳/۷	۱/۹	۲۰/۰	۲۷/۸
سایر واسطه‌گری مالی		۰/۳	۰/۳	۲۶/۴	۳۳/۶
بیمه		۲/۶	۲/۷	۲۹/۳	۲۸/۹
کل مستغلات		۴/۱	۲/۷	۱۸/۶	۲۳/۸
مستغلات		۴/۴	۲/۷	۱۷/۹	۲۳/۸
خدمات مسکونی		۳/۹	۲/۷	۱۹/۳	۲۳/۸
خدمات مسکونی شخصی		۴/۰	۲/۶	۱۷/۹	۲۲/۹
خدمات مسکونی اجاری		۳/۸	۳/۱	۲۵/۱	۲۷/۳
خدمات غیرمسکونی		۱۴/۱	۲/۲	۱/۵	۲۲/۱
خدمات دلالتان مستغلات		۵/۰	۳/۹	۲۷/۶	۳۰/۷
کرایه و خدمات کسب و کار		۱/۹	۲/۳	۲۶/۰	۲۳/۷

جدول ۱۶- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات استان

خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

رتبه	حمل و نقل و ارتباطات		واسطه‌گری مالی		مستغلات و کرایه	
	۸۳	۹۳	۸۳	۹۳	۸۳	۹۳
۱	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران
۲	خوزستان	خوزستان	اصفهان	اصفهان	خراسان رضوی	خراسان رضوی
۳	هرمزگان	اصفهان	خراسان رضوی	مازندران	اصفهان	اصفهان
۴	خراسان رضوی	هرمزگان	فارس	خراسان رضوی	فارس	فارس
۵	اصفهان	خراسان	خوزستان	فارس	خوزستان	مازندران

جدول ۱۶ نشان می‌دهد سهم خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات، واسطه‌گری مالی و در بخش حمل و نقل و ارتباطات، استان در فاصله سال‌های ۸۵-۹۵ جایگاه خود را در رتبه دوم پس از استان تهران حفظ کرده، اما با سهم ارزش افزوده استان در کشور از ۸/۶ به ۶/۳ کاهش پیدا کرده است، در هر دو زیر بخش حمل و نقل زمینی، جاده‌ای و ریلی، شاهد کاهش سهم ارزش افزوده استان در طول این دوره هستیم که ناشی از کاهش قابل توجه سهم ارزش افزوده زیر بخش راه آهن از ۱۰/۷ به ۷/۵ و زیر بخش حمل و نقل جاده‌ای از ۸/۳ به ۶/۱ است؛ اما در زیر بخش‌های حمل و نقل آبی و هوایی شاهد رشد سهم حدود دو واحد درصد هستیم.

- واسطه‌گری مالی

در بخش واسطه‌گری مالی هرچند استان خوزستان سهم قابل توجهی در سطح کشور ندارد اما در همین حال کاهش سهم ارزش افزوده استان از ۳/۱ در سال ۱۳۸۵ به ۱/۷ در سال ۱۳۹۳ نیز روی داده است، به این ترتیب استان خوزستان در رتبه ششم کشور در سال ۱۳۹۵ پس از استانهای تهران، اصفهان، مازندران، خراسان رضوی و فارس قرار گرفته است.

- مستغلات

در بخش مستغلات نیز شاهد کاهش سهم ارزش افزوده استان از ۴/۱ به ۲/۷ در طول این دوره ده ساله هستیم در این بخش جایگاه استان از پنجم در سال ۱۳۸۵ به هفتم در سال ۱۳۹۵ تنزل پیدا کرده است.

- خدمات امور عمومی

جدول ۱۷- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات امور عمومی کشور با احتساب درآمدهای نفتی

فعالیت‌های خدمات امور عمومی		سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور		متوسط نرخ رشد سالانه	
		۱۳۸۵	۱۳۹۵	استان	کشور
اداره امور عمومی و شهری	۵/۶	۵/۹	۲۰/۹	۲۰/۲	
امور عمومی و شهری	۴/۱	۴/۸	۲۲/۶	۲۰/۸	
امور عمومی	۳/۰	۳/۶	۲۰/۶	۱۸/۵	
خدمات شهری	۶/۴	۶/۳	۲۴/۵	۲۴/۸	
امور دفاعی و انتظامی	۷/۱	۶/۹	۱۹/۱	۱۹/۵	
امور دفاعی	۷/۹	۷/۹	۱۸/۰	۱۸/۰	
امور نظامی	۴/۶	۴/۷	۲۳/۸	۲۳/۵	
تأمین اجتماعی اجباری	۱/۳	۸/۴	۴۶/۱	۲۱/۳	
سایر خدمات عمومی	۳/۹	۴/۰	۲۸/۰	۲۷/۶	
تفریحی، فرهنگی	۴/۰	۳/۴	۲۸/۲	۳۰/۳	
مذهبی، سیاسی	۲/۶	۳/۳	۲۲/۰	۱۹/۴	
سایر خدمات	۴/۳	۵/۳	۲۹/۲	۲۶/۴	

جدول ۱۸- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات امور عمومی استان خوزستان بین پنج استان نخست کشور

رتبه	امور عمومی و شهری	
	۱۳۸۵	۱۳۹۵
۱	تهران	تهران
۲	خراسان رضوی	خراسان رضوی
۳	اصفهان	خوزستان
۴	خوزستان	اصفهان
۵	فارس	فارس

براساس جدول ۱۸ سهم ارزش افزوده خدمات عمومی شامل اداره امور عمومی و سایر خدمات عمومی در این دوره به ارزش افزوده این فعالیت‌ها در سطح کشور اندکی افزایش پیدا کرده است. در امور عمومی و خدمات شهری سهم ارزش افزوده استان تقریباً متناسب با سهم جمعیتی است، اما سهم ارزش افزوده زیر بخش امور دفاعی به نسبت بیشتر است و در مقابل امور عمومی (خدمات بخش دولتی)، از سهم مناسبی برخوردار نیست.

- ساختار اقتصادی استان خوزستان و مقایسه آن با کشور

بر اساس نمودار ۴ سهم ارزش افزوده بخش نفت و گاز حدود ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی استان را تشکیل می‌دهد و بر این اساس سهم سایر گروه‌های عمده فعالیت در تولید ناخالص داخلی استان کمتر جلوه می‌یابند. به عنوان مثال ارزش افزوده گروه عمده فعالیت صنایع - معادن تنها ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی استان را تأمین می‌نماید، که این نسبت برای کشور حدود ۲۴ درصد است؛ اما بدون احتساب نفت و گاز (در تولید ناخالص داخلی کشور و استان)، ارزش افزوده گروه عمده فعالیت صنایع - معادن تأمین کننده ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی استان است که این نسبت در سطح کشور ۲۷ درصد است. به عبارت دیگر بدون احتساب رقم ارزش افزوده فعالیت نفت و گاز، استان خوزستان صنعتی‌تر از متوسط کشور است که به علت تسلط رقم ارزش افزوده فعالیت نفت و گاز این ویژگی نمایان نمی‌شود. در نمودار این تفاوت‌ها ملاحظه می‌شود بدون احتساب فعالیت نفت و گاز، سهم ارزش افزوده گروه عمده کشاورزی استان تقریباً نزدیک به سهم نظیر در کشور، سهم گروه عمده خدمات کمتر از متوسط کشور و سهم گروه صنایع و معادن به نسبت قابل توجهی بیشتر از متوسط کشور است.



نمودار ۴- مقایسه سهم ارزش افزوده گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی در تولید ناخالص داخلی استان

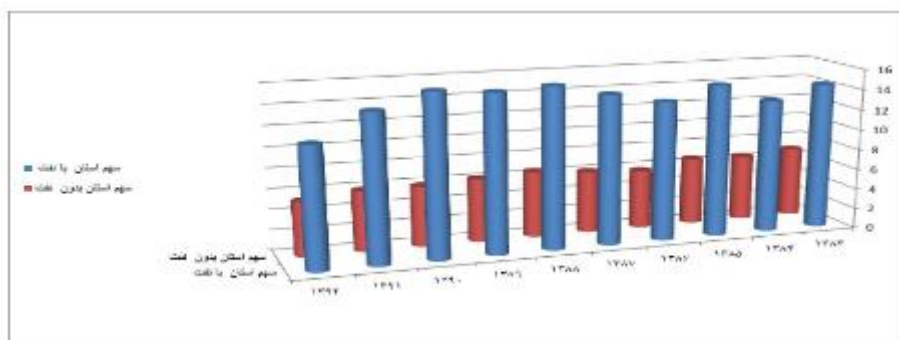
- تغییرات سرانه تولید ناخالص داخلی استان

مقدار و تغییرات سرانه تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کل کشور بدون احتساب ارزش افزوده درآمدهای نفتی به یکدیگر بسیار نزدیک هستند؛ اما با احتساب ارزش افزوده درآمد-های نفتی مقدار این متغیر برای استان خوزستان بسیار بالاتر از متوسط سطح کشور است.

جدول ۱۹- تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کشور با احتساب و بدون احتساب درآمدهای نفتی

۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	
۳۹۴۰	۳۶۴۹	۳۰۷۳	۲۳۸۳	۱۹۴۱	۱۵۵۵	۱۱۸۹	۹۵۴	۷۳۴	۶۳۰	کل کشور یا درآمدهای نفتی
۴۶۲	۵۲۰	۴۸۴	۳۶۸	۳۰۵	۲۲۷	۱۶۲	۱۴۲	۹۸	۹۱	خوزستان با درآمدهای نفتی
۳۳۴۳	۲۹۲۵	۲۳۷۱	۱۸۵۹	۱۵۰۱	۱۲۳۲	۹۶۶	۷۷۹	۶۱۴	۵۱۲	کل کشور بدون درآمدهای نفتی
۱۷۷	۱۷۱	۱۴۱	۱۱۶	۹۷	۷۵	۵۶	۵۲	۴۰	۳۵	خوزستان بدون درآمدهای نفتی
۱۱/۷	۱۴/۳	۱۵/۸	۱۵/۴	۱۵/۷	۱۴/۶	۱۳/۶	۱۴/۹	۱۳/۱	۱۴/۴	سهم استان با درآمدهای نفتی
۵/۳	۵/۹	۵/۹	۶/۲	۶/۵	۶/۱	۵/۸	۶/۶	۶/۵	۶/۹	سهم استان بدون درآمدهای نفتی

نمودار ۵- سهم تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کشور با نفت و بدون نفت



بررسی ساختار اقتصادی استان خوزستان با تأکید بر نقش درآمدهای نفتی

جدول ۲۰- جمعیت و سرانه تولید ناخالص داخلی با احتساب و بدون احتساب درآمدهای نفتی

۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
۶۴/۲	۶۵/۳	۶۶/۳	۶۷/۳	۶۸/۳	۶۹/۴	۷۰/۵	۷۱/۵	۷۲/۶	۷۴/۷
۳/۹۵۷	۴/۰۱۲	۴/۶۲	۴/۱۱۳	۴/۱۶۵	۴/۲۱۸	۴/۲۷۵	۴/۳۲۳	۴/۳۷۱	۴/۴۷۱
۹/۸	۱۱/۲	۱۴/۴	۱۷/۷	۲۲/۷	۲۸	۳۳/۸	۴۳	۵۰/۳	۵۲/۷
۲۳	۲۴/۳	۳۵	۳۹/۴	۵۴/۶	۷۲/۳	۸۶	۱۱۲	۱۱۹	۱۰۳/۳
۸	۹/۴	۱۱/۷	۱۴/۳	۱۸	۲۱/۶	۲۶/۴	۳۳/۱	۴۰/۳	۴۴/۷
۸/۹	۱۰	۱۲/۷	۱۳/۷	۱۷/۹	۲۳	۲۷/۲	۳۲/۶	۳۹/۲	۳۹/۶

استان خوزستان در بخش کشاورزی، ماهیگیری، استخراج نفت خام و گاز، تولید فرآورده-های نفتی، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع فلزات اساسی، آب و برق، حمل و نقل و تجارت خارجی دارای سهم و جایگاه ممتاز بسیار بالا و دارای مزیت مکانی است. این بخش‌ها در حال حاضر ارکان اقتصاد استان و وظایف استان در سطح ملی را تشکیل می‌دهند و به دلیل پابرجایی نسبی شرایطی که موجب رونق این فعالیت‌ها در استان خوزستان شده است، حفظ این جایگاه و توسعه ضروری آنها به دلیل منطق اقتصادی چه از جهت منافع اقتصادی-اجتماعی برای استان و چه از نظر منافع ملی برای توسعه استان بسیار ضروری است.

همچنین از بررسی روند تغییرات فعالیت‌های اقتصادی مشاهده شد هرچند سهم استان در بخش‌های صنعت، تأمین آب و برق، ساختمان و حمل و نقل و ارتباطات نسبتاً بالا و در بعضی موارد ممتاز است، اما در همین حال سهم استان در سطح ملی در همین بخش‌ها در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵ کاهش یافته است. پایین بودن نسبی سهم و رتبه همه خدمات اقتصادی (به جز عمده و خرده فروشی و حمل و نقل و ارتباطات)، شامل هتل و رستوران، واسطه‌گری‌های مالی و مستغلات نسبت به سهم و جایگاه بخش‌های تولیدی استان است. در حالی که در بخش کشاورزی و صنایع اساسی شیمیایی، پتروشیمی و فلزات اساسی جایگاه استان خوزستان در کشور ممتاز یا بسیار بالا است، صنایع تولید ماشین آلات، ابزار و قطعات خودروسازی، صنایع فلزی فابریکی، لاستیک و پلاستیک، تولید وسایل برقی و صنایع فرآوری محصولات غذایی در این استان با وجود ندارد یا سهم آن در مقیاس ملی بسیار اندک است. بنابراین حمایت از توسعه این صنایع در استان خوزستان از نظر منطق اقتصادی موجه و قابل توصیه است. از آنجاکه

صنایع اساسی با سرمایه‌گذاری ملی احداث و توسعه می‌یابند، روند بالا نشان دهنده آن است که روند سرمایه‌گذاری ملی در بخش‌های یادشده در استان خوزستان کندتر از روند سرمایه‌گذاری در استان‌های رقیب بوده است که در اینجا نقش مدیریت توسعه استان در تلاش برای اصلاح این روند با استدلال منطقی بارزتر می‌شود.

سایر بخش‌های صنعتی، که به‌طور معمول با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایجاد و توسعه می‌یابند ضعف سرمایه‌گذاری (که در پایین بودن ارزش افزوده این صنایع منعکس است) را باید در عوامل مختلف اقتصادی - اجتماعی جست‌وجو کرد.

کاهش سهم ارزش افزوده استان خوزستان در سطح ملی، در بخش‌هایی رخ داده است که از بخش‌های بسیار مهم و پیشرو هستند که استان در آنها دارای سهم و با تمرکز مکانی بالا است، مانند صنایع شیمیایی و پتروشیمی و فلزی و آب و برق، حمل و نقل زمینی و ریلی و یا رشته‌هایی که توسعه آنها از ضرورت‌های توسعه استان است مانند ساختمان، واسطه‌گری مالی و مستغلات. دلیل اصلی کاهش یا افزایش سهم ارزش افزوده هریک از فعالیت‌های استان نسبت به فعالیت نظیر در کشور است، تفاوت نرخ رشد این دو در طول دهه مورد بررسی است. بدیهی است هرگاه نرخ رشد ارزش افزوده یک فعالیت در سطح استان از نرخ رشد فعالیت نظیر در سطح کشور کمتر باشد سهم ارزش افزوده این فعالیت در کشور کاهش می‌یابد و این دقیقاً همان است که در تعدادی از بخش‌ها و از جمله مهمترین آنها در بخش‌های صنعت، تسهیلات عمومی، واسطه‌گری مالی و مستغلات رخ داده است. نرخ رشد پایین این بخش‌ها در سطح استان به معنی عدم استفاده مناسب از مزیت‌های نسبی استان است و موجب می‌شود مزیت نسبی استان خوزستان در این زمینه‌ها در سطح ملی کاهش یابد. به بیان ساده‌تر توسعه سرمایه‌گذاری و افزایش ارزش افزوده رشته‌هایی مانند صنعت شیمیایی و پتروشیمی، صنایع فلزی، آب و برق در استان خوزستان با توجه به دسترسی به منابع نفت و گاز و با توجه به زیربنای حمل و نقل، سهولت دسترسی به بازارهای ملی و فراملی و توسعه حمل و نقل زمینی و ریلی با توجه به وجود بندر امام و وجود زیرساخت‌های فعلی آنکه تنها نیاز به گسترش دارد، به طور طبیعی موجه‌تر از سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها در هر استان دیگری است. اگر راه اندازی صنایع شیمیایی و پتروشیمی با انتقال خوراک از استان خوزستان و یا بوشهر به هر استان دیگری موجه و اقتصادی باشد، بهره‌برداری از این منابع در استان خوزستان به طریق اولی از دیدگاه اقتصادی موجه‌تر است، زیرا حداقل به سرمایه‌گذاری اضافی در خط لوله برای انتقال خوراک پتروشیمی نیاز ندارند.

عدم توجه به این مزیت‌ها موجب رشد سریعتر صنایع فولاد در استان‌های کرمان و اصفهان شده است و سهم استان خوزستان در ارزش افزوده این بخش در کشور از ۱۹/۹ درصد به ۱۲ درصد کاهش و رتبه آن نیز از دوم به سوم تنزل یافته است. در همین دوره جایگاه نخست ارزش افزوده صنایع شیمیایی و پتروشیمی سهم استان خوزستان حفظ شده است، اما سهم آن از ارزش افزوده این بخش در کشور از ۴۹/۳ درصد به ۳۰ درصد کاهش یافته است. در صورت ادامه این روند، جایگاه استان خوزستان در زمینه در صنعت مهم یادشده به رتبه‌های پایین‌تر تنزل خواهد یافت. رتبه پنجم استان خوزستان در تولید محصولات کشاورزی با توجه به منابع عظیم آب و خاک و امکان تولید محصولات نوبرانه و امکان دو بار کشت در سال به هیچ وجه مناسب نیست و رشد کند توسعه شبکه‌های آب در پشتیبانی از بخش کشاورزی نیز مزید بر علت است، همچنان که رشد کند ارزش افزوده دامداری استان موجب کاهش سهم آن در کشور و تنزل رتبه آن شده است.

نتیجه‌گیری

درآمدهای نفتی ابزار و وسیله برای توسعه است؛ و هرچقدر درآمدهای نفتی زیاده‌تر شود، شتابان توسعه هم بیشتر می‌شود. بر این اساس با استفاده از درآمدهای نفتی واردات امکانات از خارج عامل اساسی توسعه است، به همین دلیل هزینه‌های گزافی برای ایجاد شبکه‌های زیربنایی اقتصادی که واردات را آسان می‌سازد صرف می‌شود. در بهترین شرایط اجرای این دیدگاه به توسعه واردات و شبکه توزیع کالا، مصرف، برون‌زا و صنایع وابسته به خارج می‌انجامد و صدور نفت خام برای به دست آوردن درآمدهای ارزی یک نیاز درونی می‌شود و همراه با رشد مصرف کالاهای وارداتی صدور هرچه بیشتر نفت هدفی راهبردی به حساب می‌آید، فرهنگی سازگار با چنین توسعه‌ای در همه زمینه‌ها از جمله مدیریت‌ها پدید می‌آید.

در بخش اقتصادی می‌توان گفت مهمترین اولییتی که برای توسعه استان وجود دار عبارت از: ۱- مسأله منابع مالی ۲- امکانات زیرساختی؛ اما به دلیل نامناسب بودن وضعیت اقتصادی استان و به دلیل بی‌تدبیری و بی‌برنامگی در سطح استانی که به تنهایی نیمی از درآمدهای نفتی کشور را تأمین می‌کند به لحاظ سرمایه مالی و امکانات و خدمات زیر بنایی اقتصادی از جمله ناموزونی بخش‌های مختلف استان، محدود بودن سرمایه‌گذاری خارجی، تسلط درآمد- های نفتی بر سایر درآمدهای در بخش‌های مختلف همچون ضعف صنعت گردشگری، کشاورزی باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه از استان خوزستان شده است و در بخش زیربنایی و امکانات ضعیف و قدیمی بودن تکنولوژی، فراموشی طرح‌های کشاورزی، بیکاری و اشتغال، مشکلات

سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد از جمله مهم‌ترین مشکلات اقتصادی استان است که تعیین اولویت آن می‌تواند به سرمایه‌گذاری خارجی و فراهم کردن تسهیلات خدمات اقتصادی در بخش‌های مختلف برای استان فراهم کرد. طبق نظر کلارک معتقد است که برای کشورهایی که نخستین مراحل توسعه اقتصادی را می‌گذرانند، با ارزش‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش زیربنای است.

همچنین باید توجه کردن به سایر بخش‌های اقتصادی استان به جای تمرکز صرف به سرمایه‌گذاری نفتی و گازی در سطح استان حائز اهمیت است. استان خوزستان با توجه به هم‌مرز بودن با کشور عراق و مرز دریایی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می‌تواند از فرصت هم‌مرزی با کشور عراق سود جست. طبق یافته‌های به دست آمده کشور عراق از لحاظ واردات و صادرات در سال ۱۳۹۴ در واردات رتبه ۴ و در صادرات رتبه سوم از لحاظ مبادلات اقتصادی با کشور ایران تجارت می‌کند که این فرصت می‌تواند زمینه و بستر سرمایه‌گذاری و تجارت با کشورهای همسایه شود. یافته‌های فردریک (۲۰۱۰) نشان داد که درآمدهای نفتی زمانی می‌تواند در توسعه نقشی داشت باشند که همراه با سرمایه‌گذاری همراه باشد. نقش سرمایه‌گذاری خارجی در کنار سرمایه‌گذار داخلی بسیار کارآمد است. در دسترسی بودن به منابع طبیعی (نفت) توانایی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی و اجتماعی را تضمین نمی‌کند بلکه با ایجاد نهادهای مناسب، مکانیسم‌ها و سیاست‌های بهینه از درآمد نفتی برای رشد و توسعه پایدار اطمینان حاصل می‌شود. دولت نیازمند است در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری خود به بخش مدیریت و نهادها و سازمان‌های تضمین کننده توسعه یافته استفاده کند. طبق نظر بائر معتقد است که قابلیت و ابتکار اقتصادی، تجارت و گسترش بازارها نیروهای محرک توسعه است. بائر حرکت از بازارهای معیشتی کوچک به بازارهای بزرگتر را جز اولویتهای مهم می‌داند. مطالعه استیونز (۲۰۰۳)، گیلیسون و ژور گا (۲۰۰۳) و اوتی (۲۰۰۱) معتقد هستند که دورافتادگی صنایع معدنی، صنایع مربوط به نفت و گاز و سایر معادن معمولاً ماهیت دورافتادگی از سایر صنایع و بخش‌های اقتصادی دارند چراکه این نوع صنایع دارای ارتباط پیشینی و پسینی ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصادی دارد لذا در خلال تولید در چنین صنایعی تنها تعداد کمی از نیروهای متخصص و نسبتاً ماهر به کار رفته شده و سایر نهادهای تولیدی نیز از خارج اقتصاد وارد می‌شود. لذا دور از انتظار نیست که درآمدهای حاصل از این صنایع تنها میان عده ای قلیل توزیع گشته و منجر به نابرابری درآمدها در جامعه گردد. در بخش حمل و نقلی، سیستم حمل و نقل ریلی استان از توانمندی کافی برخوردار نیست.

شبکه ریلی به‌طور عمده در جهت پاسخگویی به نیاز سراسری کشور طراحی شده و از پوشش درون استانی گسترده برخوردار نیست خطوط در دست مطالعه برای گسترش راه آهن استان نیز شامل مطالعه خط راه آهن خرمشهر - بندر امام خمینی - بوشهر و همچنین خط آهن اهواز - اصفهان و اهواز - شیراز در صورت اجرایی شدن به گسترش این شبکه و به خصوص توسعه ارتباط مرکز استان با نواحی شمال شرقی آن کمک قابل توجهی خواهد کرد. طبق نظریه کلارک معتقد است که برای مناطقی که نخستین مراحل توسعه اقتصادی را می‌گذرانند، با ارزش‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش زیربنای است. به ویژه برای حمل و نقل، که بدون آن فقط یک کشاورزی در سطح محلی و مصرفی امکانپذیر است و برای تأمین آب که بدون آن مهار بیماری‌های فراگیر عملی نخواهد شد به عقیده او احداث جاده‌ها و تأمین آب هر دو باید از طریق سرمایه‌گذاری عمومی و توسط دولت صورت پذیرد. عملکرد سیستم حمل و نقل ریلی استان در جابجایی بار در حال حاضر بسیار ضعیف است. در حالی که شرایط لازم از نظر تقاضای جابجایی کالا بین بندر امام خمینی تا مرکز کشور و استان‌های شمال خوزستان فراهم است، این شبکه تنها ۶ درصد از حمل و نقل بار در گردش استان را به عهده دارد.

به علاوه اصولاً از شبکه راه آهن برای حمل بار و به خصوص بارهای فله‌ای در مسیرهای طولانی استفاده می‌شود (در مقایسه با حمل جاده‌ای) اما در عملکرد شبکه راه آهن استان مشاهده می‌شود متوسط فاصله حمل بار توسط شبکه راه آهن استان تنها در حول و حوش سیصد کیلومتر می‌باشد. یان تین برگن (۱۹۶۲) معتقد است که بخش دولتی فعال را لازمه توسعه می‌داند. نمی‌توان پذیرفت که در صورتی که دولت زیربناها را آماده کند (حمل و نقل، ارتباطات و ...) به سرعت روبناها و فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی بنا می‌شود. اگر برای تسریع توسعه اقتصادی کشور، بنگاه‌های دولتی به عنوان ابزار توسعه به کار گرفته شوند، ملاحظات مربوط به کارایی نباید مانعی در این راه به وجود آورد، زیرا ابتکار فردی قادر نیست که سرمایه لازم را تدارک ببیند. در مقابل هم چنین «گرایش به سرمایه انسانی به جای سرمایه مادی»، «دوری از پروژه‌های بزرگ و اجرای پروژه‌های کوچک‌تر» و «یجاد اشتغال در روستاها به جای شهرها» از الزامات توسعه اقتصادی برای استان خوزستان به شمار می‌آید.

مسأله نهادی و حکم روایی مدیریتی در استان جز اولویت‌های توسعه استان به شمار می‌رود زیرا با توجه به ضعف مدیریتی و ناتوانی در یک مدیریت اجرای نامناسب با توجه به امکانات و منابعی که در سطح استان وجود دارد نتیجه آن شده است که یک توسعه نامتوازن بین بخش

های مختلف شکل بگیرد اما در بررسی‌های دقیقتری که مورد اثرات درآمدهای زیرزمینی در مورد مناطق مختلف صورت گرفته است نشان می‌دهد که وجود منابع زیرزمینی نقشی مثبتی را در رشد و توسعه نمی‌تواند داشته باشد زیرا اگر نیروی مدیریتی و ناکارآمدی نتوانند از منابع خود به خوبی استفاده کنند و مدیریت مناسبی در هزینه کردن این منابع سرشار نداشته باشند. نعمت‌های نفتی تبدیل به منابع شری خواهند شد که گریبان آنها را خواهد گرفت و حتی مانع رشد و پیشرفت خواهد شد بخش مدیریت سیستم نهادی استان خوزستان از ضعف‌های هم چون عدم نظارت، نگرش غالباً توسعه صنعتی، ضعف نهادی غیردولتی در زمینه‌ی موضوعات مختلف و زیست محیطی می‌توان اشاره کرد. طبق گفته آمارتیا سن استفاده بهتر از منابع در جهت توسعه و پیشرفت مستلزم تقویت قابلیت‌های انسانی، مشارکت مردم و آزادی مباحثه عمومی می‌باشد.



منابع فارسی

کتاب

- تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر کوهسار
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران، انتشارات سمت
- فرید، یدالله (۱۳۸۸)، جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ ۷

مقالات

- تیمور رحمانی، ماندانا گلستانی (۱۳۸۸)، تحلیلی از نفرین منابع نفتی و رانت جویی بر توزیع در آمد در کشورهای منتخب نفت خیز، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۹
- حسن حکمت‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری-های ناحیه‌ای در استان یزد: (مطالعه موردی شهر اردکان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷
- علیرضا جرجرزاده، علیرضا اقبالی (۱۳۸۴) بررسی اثرهای درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴
- محمود جمعه‌پور، محسن صادقی امینی (۱۳۹۳)، معرفی شاخص توسعه‌ی انسانی HDI، فصلنامه علوم اجتماعی
- محسن مهر آرا، علیرضا کیخا (۱۳۸۷) نهادهای نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دوره (۱۹۹۷ - ۲۰۰۵): روش پانل هم انباشتگی، فصلنامه اقتصاد مقداری
- محسن مهر آرا، مجید مکی نیری (۱۳۸۸)، بررسی روابط غیرخطی میان درآمدهای نفتی و رشد، اقتصادی با استفاده از روش کیفی، مجله مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۲۲